

"سنگ، کاغذ، قیچی"

جواب در آستین داشتن در شمشیربازی

ترجمه: عباسعلی فاریابی (۱۳۹۸/۱۲/۱۰)

گفته می شود که شمشیربازی نوعی شطرنج فیزیکی یا چیزی در این زمینه است. اما بسیاری از والدین، و تعداد زیادی از شمشیربازان تازه کار با این توصیف مشکل دارند. من بحث هایی فراوانی در این زمینه با بسیاری از پدر و مادرها و شمشیربازهای نوآموز داشته ام، زیرا آنها واقعاً **اهمیت تفکر در شمشیربازی** را درک نمی کنند. شمشیربازی مانند ورزش های دیگر نیست، و واقعاً نوعی سرمایه گذاری بی نظیری است. با تفکر صحیح، شما می توانید حریف هایی که از نظر جسمی از شما قوی تر هستند را شکست دهید. توضیح این جنبه همیشه آسان نیست، اما من امیدوارم در این مقاله بتوانم این ویژگی را به شکلی تجزیه و تحلیل کنم که به شما امکان داده بشود تا **جنبه تاکتیکی شمشیربازی**، به ویژه جواب در آستین داشتن یا حاضر جوابی را خوب درک کنید.



استراتژی بازی "سنگ، کاغذ، قیچی"

برای ساده تر شدن موضوع، بگذارید با یک مثال آشنا شروع کنیم. بچه ها در همه جای دنیا با بازی **"سنگ، کاغذ، قیچی"** آشنا هستند. و این یک بازی همه جایی است! برای درک جنبه تاکتیکی شمشیربازی، اجازه دهید آن را خیلی ساده از طریق لنز این بازی بررسی کنیم.

در صورتی که با این بازی آشنا نیستید، در اینجا نحوه انجام این بازی را برای تان تشریح می کنیم. دو بازیکن روبروی هم قرار می گیرند. و با شمردن سه شماره، آنها یکی از سه نماد را با دست خود ترسیم می کنند - یا "سنگ"، یا "کاغذ"، یا "قیچی". هر کدام از این نمادها می تواند بر یک نماد خاص دیگری غلبه کند. اگر نماد یکی از بازیکن ها سنگ و دیگری کاغذ باشد، کاغذ "برنده" می شود، به این دلیل که کاغذ می تواند سنگ را در خود بپوشاند. اما اگر نماد بازیکن دوم قیچی باشد، سنگ برنده می شود زیرا سنگ می تواند قیچی را خرد و از بین ببرد. و اگر نمادهای دو بازیکن قیچی و کاغذ باشد، قیچی برنده می شود زیرا قیچی می تواند کاغذ را ببرد. و در صورتی هر دو بازیکن یک نماد را ترسیم کنند، نتیجه مساوی است و بازی باید مجدداً شروع شود.

این فلسفه ساده این بازی است، و این سادگی دلیل اصلی محبوبیت گسترده آن در سرتاسر جهان شده است. تنوع های فراوانی در این بازی وجود دارد تا جایی که می توان آن را با بیش از دو بازیکن و با نمادهای دیگری نیز بازی کرد، اما برای تشریح بحث خودمان ما همان بازی ساده را در نظر می گیریم.

حال بیایید استراتژی های ساده این بازی را بررسی کنیم. فرض کنید من سنگ بیاورم و حریفم قیچی بیاورد. من در این دور برنده می شوم. حالا برای برنده شدن در دور بعدی، باید به درستی پیش بینی کنم که حریف من چه نمادی خواهد آورد. من باید مثل او فکر کنم. من در مورد چرایی حرکت قیچی او فکر می کنم، و چگونه این حرکت می تواند انتخاب بعدی او را تا حد ممکن تحت تأثیر قرار دهد. بدین ترتیب من تلاش می کنم دریابم که در ذهن او چه می گذرد؟ یکی از گزینه های دور بعدی این است که حریف فکر کند از آنجا که من در دور قبلی او را با سنگ شکست دادم، من دوباره سنگ خواهم آورد، با این امید که خود او قیچی بیاورد.

ایده تکرار همان استراتژی به دلیل کارکرد قبلی آن، بسیار منطقی به نظر می رسد. با این منطق، او برای شکست دادن سنگ من باید کاغذ بیاورد. حال که من در حال دنبال کردن افکار او هستم، اساساً فرض می کنم که او به دنبال کاغذ خواهد رفت، بنابراین خودم قیچی خواهم کشید تا بتوانم دوباره او را شکست بدهم. البته، حریف ممکن است فکر کند که من دوباره سنگ نخواهم آورد، زیرا آن خیلی روشن است. ممکن است هم نتیجه بگیرم که او از قیچی به سنگ تغییر حرکت خواهد داد با این هدف که در دور دوم یا مساوی کند و یا به این امید که من قیچی بیاورم. اکنون که در حال نوشتن این مطلب هستم، من خودم را دقیقاً در یک صحنه حساس یک بازی شمشیربازی می بینم.

تفکر شمشیربازی اساساً همین گونه پیش می رود. جالب اینجاست که هرچه این بازی را بیشتر تمرین کنید، در "پیش بینی" حرکت حریف بیشتر مهارت پیدا خواهید کرد.

تشابه بین استراتژی "سنگ، کاغذ، قیچی" و شمشیربازی

شاید جای تعجب نباشد که وقتی به شمشیربازی بپردازیم می توانیم همین شیوه تفکر مشابه را ببینیم.



روی پیست، شما باید پیش بینی کنید که حریف شما در هر لحظه چه کاری انجام خواهد داد. این اولین مهارت ماست. به عنوان مثال، در مورد چگونگی خوردن آخرین ضربه فکر کنید. حرکتی که انجام دادید چه بود، و حرکتی که طرف مقابل انجام داد چه بود؟ ما می توانیم با یک مثال ساده شروع کنیم - شما یک حمله مستقیم را اجرا کرده اید و یک دفاع ساده ۴ (کوارت) از حریف دریافت کرده اید. شما با اطمینان می توانید فرض کنید که دفعه بعد، اگر یک حمله مستقیم ساده را انجام دهید، حریف بطور حتم دوباره دفاع ۴ خواهد گرفت. بنابراین نتیجه می گیرید که به جای اینکه اтак مستقیمی را اجرا کنید، برای مقابله با دفاع ۴ حریف باید از ردکن استفاده کنید.

همچنین شما ممکن است به **پردازش ذهن** حریف بپردازید و فکر کنید که او نیز فرضیاتی راجع به شما در نظر خواهد گرفت، که شاید دفعه دیگر شما سعی بر اجرای ردکن خواهید کرد. بنابراین او می تواند در مقابل، به فکر راه های مختلفی برای دفاع بیافتد، به عنوان مثال، برای رویارویی با ردکن شما به جای دفاع ساده از دفاع دایره ای استفاده کند. اگر به این نتیجه رسیدید که حریف همین کار را انجام خواهد داد، بنابراین می توانید بر این اساس حرکت خود را تغییر دهید.

آیا متوجه شدید که این تفکر چقدر به بازی "سنگ، کاغذ، قیچی" شباهت دارد؟

یک گروه واکنش های دیگری، هم از نظر فنی و هم از دید موقعیتی، نیز وجود دارد. حال بیایید چند امکان دیگر را بررسی کنیم:

- حرکات گوناگون تهاجمی
- تهاجم به بخش های مختلف هدف
- استفاده از شیوه های متنوع دفاع و کونتراتک
- بهره گرفتن از سرعت های مختلف در اجرای هرگونه حرکت

گذشته از این موارد، موقعیت های زمانی یک بازی نیز می تواند تاثیر داشته باشد. آیا حرکت مورد نظر در ابتدا، در پایان، در وسط، و یا در یک دقیقه اضافی پایان بازی اتفاق می افتد؟ موقعیت بعدی پیست نیز بی تاثیر نیست، یعنی فضای نسبی که بازی در آن جریان دارد. آیا حرکت در وسط پیست اتفاق افتاده است؟ یا انتهای پیست حریف؟ یا انتهای پیست خودمان؟ هر آنچه در واقع اتفاق افتاده است، همیشه نباید قبل از قضاوت داور انجام شده باشد. اغلب اوقات این اقدامات و تصمیم ها در زمان حقیقی بازی، وقتی درگیر شمشیربازی هستید واقع می شود.



به عنوان مثال، اگر به اولین مثال نگاهی بیندازید که حریف حمله شما را با موفقیت دفاع کرده است، اما فرض می کنیم که موفق به دادن جواب نشده بود. بازی متوقف نمی شود و باید ادامه پیدا کند. اکنون، بدون توقف، شما باید برای حرکت بعدی خود تصمیم بگیرید. در اینجا **هیچ فرصتی برای شما وجود ندارد که بتوانید درباره آنچه انجام می دهید و آنچه کم دارد فکر کنید**. شما باید تمام این کارها را در کوران بازی انجام دهید، و این کار با جریان بازی همراه باشد. بنابراین شما باید یاد بگیرید که در زمان واقعی بازی مشاهده ها و عکس العمل های خود را به مرحله اجرا بگذارید.

اتفاقی که با گذشت زمان می افتد این است که تجربه شما بیشتر و بیشتر شده و قدرت تفکر و مهارت تجزیه و تحلیل تان سریع تر می شود. به نظر می رسد که شما در حال توسعه حس ششم، بینش، بصیرت و درک مستقیم خود هستید. البته نه تنها حس ششم، بلکه تجربه شما نیز در حال گسترش و توسعه است.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشته باشید این است که در شمشیربازی و در بازی "سنگ، کاغذ، قیچی" هرچقدر هم که خوب باشید، بالاخره **احتمال باخت** شما وجود دارد. هیچ کس در هر بازی شمشیربازی برنده نمی شود، هیچ کس بدون اینکه هیچ ضربه ای دریافت کند نمی تواند به کار خود ادامه دهد. حتی بهترین شمشیربازهای تاریخ هم غیر قابل نفوذ نبودند. بنابراین شما درصد مشخصی از این بازی ها را از دست خواهید داد. یادگرفتن نحوه کنار آمدن با این موضوع و ادامه دادن به یافتن راه حل های مناسب با درست فکر کردن، یکی از مهارت ها و ویژگی های اصلی مورد نیاز برای پیروزی در بلند مدت است.

تله پهن کردن!

مرحله بعدی در شمشیربازی از اهمیت بیشتری برخوردار است. به جای **"حدس زدن"** اینکه طرف مقابل چه کاری را انجام خواهد داد، شما باید با **پهن کردن یک دام** او را وادار کنید که آنچه می خواهید را انجام دهد.



بسیار مهم همان مثال ساده قبلی را دوباره در نظر بگیریم. شما می دانید وقتی یک اтак را اجرا نکنید، حریف شما سعی خواهد کرد یک دفاع بگیرد و با یک جواب به شما ضربه بزند. حال به جای اجرای این اтак واقعی، شما وانمود می کنید که می خواهید حمله کنید و منتظر جواب می شوید. هنگامی که او جواب را انجام می دهد، شما برای مقابله یک دفاع کونتر می گیرید و به دنبال آن با یک ریپوست یک ضربه واقعی به او می زنید. واکنش های انسان به صورت عادت محور است و شما از این طریق می توانید با دقت زیاد حدس بزنید که عادت طرف مقابل چیست و بنابراین آن را به نفع خود در آورید.

در اینجا مهم است که حرکت **"جعلی"** شما واقعاً شبیه یک حرکت واقعی باشد، حرکتی که گویا با قصد واقعی هدایت می شود. با این شیوه شما طعمه واقعی برایش می چینید و او را تحریک می کنید تا پاره ریپوست کند. اтак شما باید مانند یک حمله واقعی به نظر برسد و احساس شود. آن باید به اندازه کافی تهدید کننده باشد تا بتوان ریپوست را اجرا کرد. در شمشیربازی این نوع حرکت به عنوان **"قصد ثانویه"** شناخته می شود. و آن زمانی است که اولین اقدام شما حرکتی نیست که می خواهید با آن امتیاز بگیرید، بلکه حرکتی است به منظور تحریک حریف تا به روشی که تمایل دارید پاسخ دهد تا حرکت واقعی خودتان را اجرا کنید.

بسیار مهم است که شمشیربازها یک **مجموعه غنی از تکنیک ها** برای خود ایجاد کنند. آن باید شامل انواع اтак ها و دفاع های کاری که شمشیرباز قادر است خیلی سریع در عرض چند ثانیه مورد نیاز راجع به آنها فکر کند و آنها را به راحتی اجرا کند. تکنیک مورد استفاده در این حرکت ها باید از قبل تمرین شده و به حد کمال رسیده باشد. هنگامی که شما نیاز به اجرای این ردکن یا آن دفاع دارید، دیگر وقت ندارید که در مورد چگونگی انجام آن فکر کنید! کل این فرآیند در بدن اتفاق می افتد. در تمام بدن. از انگشتان پا تا انگشتان دست تا نوک ماسک، و از آنجا تا نوک تیغه. ضمن اینکه این کار باید بصورت طبیعی انجام شود.

این روش دقیقاً شبیه کار یک استاد نوازنده پیانو است، که به هیچ عنوان دربارهٔ اجرای کدام یک از نت ها فکر نمی کند. انگشتان او بدون اینکه فکر کند کلیدهای پیانو را فشار می دهند، و سپس موسیقی با یک روش منسجم و قدرتمند دنبال می شود. در مورد شمشیربازی نیز همین مسئله صادق است، یعنی **عناصر تکنیکی باید بدون فکر کردن اجرا شود**. ریتم یک مسابقهٔ شمشیربازی به کار خودکار یک پیانیست حرفه ای نیاز دارد که در حال اجرای یک آهنگ است.

کلیدهای ساده برای موفقیت در یک ورزش ساده

برای موفقیت در شمشیربازی اسراری وجود ندارد، همان طور که برای موفقیت در بازی "سنگ، کاغذ، قیچی" هیچ رازی نیست.

برای ایجاد یک حس لیزری برای شمشیربازی تاکتیکی، ما به تمرین، تمرین، و تمرین نیاز داریم. اگر این کار را به اندازه کافی انجام دهید، حرکات شما غیر ارادی و ذاتی خواهند شد. درست مانند بازی "سنگ، کاغذ، قیچی" شما باید تمرین کنید، تمرین کنید، و تمرین کنید تا بصورت حس ششم درآید. در هر دو مورد شما به حریف های متنوع زیادی احتیاج دارید. کسی که می خواهد در بازی "سنگ، کاغذ، قیچی" تسلط پیدا کند، باید در برابر حریف های بسیاری بازی کند. در مترو، در مدرسه، با خواهر و برادر در ماشین، هر جای دیگر، و همه جا. **تمرین بیشتر یعنی نتیجه بهتر!** در شمشیربازی باید این مهارت ها را در محیط های متنوعی امتحان کنید:

- مسابقات رسمی شمشیربازی
- کلاس های تمرین
- مسابقات آزاد
- **درس های انفرادی**
- **اردوهای شمشیربازی**

همه این موارد برای توسعهٔ شمشیربازی مهم هستند! از اهمیت ادامهٔ کار روی شمشیربازی خود در زمینه های مختلف غافل نشوید. انجام این کار، از طریق تجربه و مشاهده، توانایی های تاکتیکی شما را به طرز چشمگیری افزایش می دهد. تمرینات دویدن و **تمرین در خانه** نیز مهم است، اما هیچ چیز به اندازه **بازی با حریف** مناسب نیست. شما هر بار که درگیر یک مسابقه می شوید یاد می گیرید خود را بیشتر و بیشتر سازگار کرده و رشد خود را تضمین کنید.

فکر کردن در شمشیربازی بسیار مهم است. این کانون اصلی ورزش ما است! **مهارت تفکری** که در شمشیربازی ایجاد می شود، تنها به پیست منحصر نمی شود، بلکه در بسیاری از جنبه های دیگر زندگی نیز سرایت می کند. هنگامی که یاد می گیرید که سریع فکر کنید، می توانید موقعیت های پیچیده را در همه جا تجزیه و تحلیل کرده و نتیجه را پیش بینی کنید. در زندگی روزمرهٔ خود، در مدرسه، محل کار و حتی در موقعیت های مهم مانند **رانندگی با ماشین**. تمرین سخت، گرفتن درس های انفرادی در هر زمان ممکن، با توجه به شرایط زمانی و بودجه، مشارکت در مسابقات شمشیربازی هرچه بیشتر، و همهٔ آن موقعیت های آموزشی عملی که برای توسعهٔ مهارت های تفکر بطور اساسی مورد نیاز است. تماشای **بازی بازیکنان سطح بالا** و تلاش برای رمزگشایی حرکت های آنها و درک تفکر آنها بسیار مفید است. شما می توانید از یک مشاهدهٔ ساده از طریق دیدن فیلم چیزهای زیادی را بیاموزید.

هدف فقط این نیست که سریع ترین و چابک ترین فرد بشوید، بلکه باید باهوش ترین بازیکن روی پیست باشید. پیروزی در شمشیربازی از طریق قمار یا بر حسب شانس به دست نمی آید. بلکه آن یک دست آورد علمی و منطقی است. در حالی که شمشیربازی بسیار پیچیده تر از بازی "سنگ، کاغذ، قیچی" است، اما اگر قصد ما برنده شدن باشد، هر دوی آنها می توانند ما را به سریع تر فکر کردن وادار کنند!

Igor Chirashnya

Academy of Fencing Masters Blog